

تحلیل فقهی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی

عبدالرضا اصغری*

مهدی صالحی مقدم**

چکیده

شرب خمر از جرایمی است که شارع مجازات آن را هشتاد تازیانه و به عنوان حدّ شرعی قرار داده است. این حکم در ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز آمده بود و عمدتاً «شرب و خوردن مسکر» را بیان می‌کرد. پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون‌گذار تصمیم گرفت در ماده ۲۶۴، از عنوان «حدّ مسکر»، عدول کند و به عنوان «مصرف مسکر» روی آورد و بدین ترتیب مصرف مسکر را به هر روشی از قبیل خوردن، تزریق و تدخین، موجب حدّ شرعی دانست. وجه مشترک این دو عنوان، «موجب خمر» یا سبب ایجاد حدّ شرعی است که در کتاب های فقهی مطرح شده است. نوشته پیش رو، روش های مختلف مصرف خمر و مسکر را از منظر فقهی بررسی می‌کند. به همین منظور، اقوال مختلف در نحوه مصرف خمر یا مسکر بیان می‌شود و نظر قانون‌گذار مبنی بر اثبات حدّ شرعی، به هر روشی که باشد، نقد و ارزیابی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مصرف مسکر، تزریق، تدخین، تناول، احتقان.

* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول) Dr.abdorezaasghari@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی Mahdi12salehi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۵

بر اساس ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط، به گونه‌ای که آن را از مسکربودن خارج نکند، مستوجب حدّ است». ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز درباره حدّ شرب خمر بیان می‌داشت: «خوردن مسکر موجب حدّ است اعمّ از آنکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص یا مخلوط باشد به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند...». مقایسه این دو ماده با ۲۲ سال فاصله قانون‌گذاری، این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که فلسفه تغییر بیان قانون‌گذار از «خوردن مسکر» به «مصرف مسکر» چیست. آیا شرب و نوشیدن مسکر موضوعیت دارد یا شیوه مصرف، در حکم آن مؤثر نیست؟ به عبارت دیگر اگر شخص به هر طریقی مسکری را مصرف نماید، حکم به مجازات حدی برای او می‌شود؟ بازتاب نظرات فقیهان در قانون مجازات اسلامی چگونه است؟

پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نظرات مختلفی از ناحیه حقوق‌دانان در نقد ماده ۲۶۴ آن مطرح شده است. برخی معتقدند این تغییر، موجب توسعه مصادیق حدود مضبوط شرعی است^۱ و باعث می‌شود که مجازات سنگین حدّ شرعی شرب خمر (۸۰ ضربه تازیانه) به سایر مواد روان‌گردان و صنعتی نیز تعمیم یابد و این رویکرد قانون‌گذار، نشانه سخت‌گیری بیشتر اوست^۲ و دلایلی را برای نگرانی خود را برمی‌شمرند. در مقابل، برخی می‌گویند تغییر مندرج در قانون، براساس مبانی فقهی است و بر این ادعا، مستندات کافی وجود دارد.^۳ بررسی آراء صادره از دادگاه‌ها و رویه قضایی شکل گرفته بعد از تصویب و تغییر این ماده قانونی (بر اساس آمار درگاه خدمات الکترونیکی قضایی در حوزه قضایی خراسان) هم نشان می‌دهد که قضات در دادرسی‌ها توجه چندانی به سایر طرق مصرف مسکر نکرده‌اند و تنها بر طریق معمول و غالبی آن آراء خود را استوار و مستدل کرده‌اند. یکی از دلایل این امر می‌تواند احتیاط قضات در اثبات حدود و قواعد حاکم بر آن از قبیل تدرأ الحدود بالشبهات و اصل براءة دانست. مراجعه به منابع فقهی نشان می‌دهد در حرمت شرب خمر و مجازات آن به عنوان یکی از حدود شرعی، فقیهان اتفاق نظر دارند و این مدعا به وسیله آیات قرآن

۱. حیدریان، محمدرضا، «رویکرد قانون مجازات اسلامی به استفاده از مسکر»، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۲، ص. ۴۶.

۲. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجد، ۱۳۸۴، ص. ۲۶۳.

۳. امامی، مسعود، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۲.

کریم،^۱ روایات معتبر^۲ و اجماع^۳ و مصداق ضروری دین بودن آن اثبات می‌شود.^۴ گر چه خمر در نظر و اصطلاح عرف به معنای نوشیدنی یا شرابی است که از انگور گرفته می‌شود، اما اهل لغت تصریح دارند که منظور از خمر آن است که قابلیت اسکار داشته باشد. صاحب المصباح المنیر در کلمه خمر گفته: «کلما خامر العقل فهو الخمر»: هر چیزی که عقل را بپوشاند و کارایی آن را مختل کند، خمر است.^۵

از طرف دیگر باید روشن شود که معنای اسکار در نگاه فقها چیست؟ اسکار در لغت و در اصطلاح فقهی یعنی: «آنچه که باعث پوشاندن عقل و از کار افتادن ذهن انسان شود» است.^۶ به دلیل یکسان بودن معنای این دو واژه بین خمر و اسکار ملازمه وجود دارد. به عبارت دیگر هر خمیری مسکر است. از آنچه گفته شد معلوم می‌گردد که خمر متخذ از انگور به تنهایی موضوعیت ندارد و ملاک در حد شرعی شرب، هر گونه مسکرات است؛ چه از انگور گرفته شده باشد و چه از غیر آن و فرقی بین انواع مسکرات از جهت حکم و حد نیست. شاهد بر این مطلب وجود روایاتی مثل روایت پیامبر اکرم (ص) است، که فرمود: «کل ما اسکر حرام».^۷ علاوه بر این فقها با استفاده از سخن شارع که گفته: «لا تشرب الخمر لانه مسکر» و علت تحریم خمر را به طور صریح «مسکر بودن» آن معرفی کرده، یک قیاس منصوص العله تشکیل داده‌اند و از شراب انگور الغاء خصوصیت می‌کنند و برای آن موضوعیت قائل نشده‌اند، در نتیجه حکم فقهی حرمت شرب را به سایر مسکرات اعم از جامد و مایع تعمیم داده‌اند^۸ و گفته‌اند مسکر چیزی است که شأنیت اسکار را داشته باشد (ما من شأنه أن یسکر).^۹

تذکر این نکته لازم است که ملاک حرمت شرب خمر یا مسکر کم و زیاد بودن میزان مصرف یا ظاهر شدن آثار شرب خمر از قبیل مستی و زایل شده عقل نیست بلکه شارع، فارغ از این امور مجازات حد شرعی را بر مرتکب جاری می‌کند و او را مستحق آن می‌داند. ممنوعیت نوشیدن یا خوردن مسکر به صورت مطلق است و چنانچه حتی

۱. آیه ۹۰ سوره مائده.

۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البیت، ۱۴۰۹ ق، ص. ۴۶۸.

۳. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، جلد دوم، چاپ اول، قم، جامعه المفید، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۵.

۴. حسینی روحانی، سید محمدصادق، فقه الصادق (ع)، قم، دار الکتاب مدرسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۲ ق، ص. ۴۷۹.

۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، بی جا، بی نا، بی تا، ص. ۲۷۱.

۶. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق، ص. ۸۰.

۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، منبع پیشین، ص. ۴۶۸.

۸. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب النکاح، چاپ اول، قم، موسسه پژوهشی رأی پرداز، بی تا، ص. ۳۵۷۶.

۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱۴۰۴ ق، ص. ۴۵۰.

قطره‌ای از آن را بخورد باید حد بر او جاری کرد. دلیل بر این مطلب، استدلال و تمسک فقها^۱ به اطلاق در روایات متعدد موجود و اجماع ادعاشده در این خصوص است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شرب خمر به عنوان حد شرعی در نظر گرفته نشده بود و فقط در ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ در باب تجاهر به استعمال شرب خمر و مستی حاصل بر اثر استعمال اختیاری مواد الکلی و مخدر یا نظایر آنها مجازات تعزیر مطرح شده بود.

در قوانین پس از انقلاب و با توجه به تغییر محتوایی قوانین خصوصاً قوانین جزایی، شرب خمر در ماده ۱۲۸ «قانون حدود و قصاص و مقررات آن» مصوب ۱۳۶۱ و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ از همین رویه فقهی پیروی کرده و شرب و خوردن هر گونه مسکری اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، باعث مستی بشود و نشود را ممنوع کرده و مرتکب را به ۸۰ ضربه شلاق محکوم کرده است. از طرفی آنچه در خصوص تشدید مجازات رانندگان مست بر اساس ماده ۷۱۸ «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵ تشدید مجازات و همچنین انجام جرم در حین مستی مندرج در مواد ۱۵۴ و تبصره ۲ ماده ۲۲۴ و ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد بحث قانون گذار قرار گرفته، وضعیتی است که مرتکب جرایم را در حال مستی انجام بدهد و احراز مستی مرتکب بدون در نظر گرفتن نحوه مصرف مسکر لازم است. این در حالی است که در این مقال طرق مصرف مسکر و تأثیر آن در تحمل حد شرعی مرتکب بحث می‌شود.

امروزه با توسعه دانش، مواد مخدر، توهم‌زا و روان‌گردان زیادی عرضه شده است که ممکن است برخی از آنها از مصادیق جدید مسکرات باشند و حتی ممکن است طریقه مصرف آنها اکل و شرب نباشد؛ بلکه مرتکبان به طرق دیگر مثل تدخین و فرو بردن دود حاصل از آن در حلق، تزریق با آمپول و سرم در خون، ورود مواد به بدن از راه بینی، بلعیدن به وسیله کیسول و سایر طرق، مسکرات را استعمال نمایند و حتی آثار مخرب‌تری را هم برای شخص و هم برای جامعه ایجاد نمایند. این مقاله در صدد پاسخ به این سؤال است آیا روش مصرف مسکرات مدخلیتی در حد شرعی شرب دارد یا اینکه اکل و شرب و نهایتاً تناول مسکر از طریق حلق، فقط طریق وصول مسکر به بدن است. به عبارت دیگر، مرتکب در صورتی محکوم به شرب خمر خواهد شد که مسکر را از طریق حلق وارد بدن کرده باشد و در صورت ورود مسکر به بدن از سایر روش‌های مذکور در زیر نمی‌توان او را مصداق شارب خمر قرار داد. نقد و بررسی فقهی

۱. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، قم، آل البیت، ۱۴۱۸ ق، ص. ۵۴۶.

۲. حسینی روحانی، سید محمدصادق، منبع پیشین، جلد ۲۵، ص. ۴۷۹.

ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی از رهگذر روش مصرف مسکر و تتبع نظرات فقها در دوره‌های مختلف در این خصوص و سیر تطور موجب و سبب حد شرعی مسکر (روش‌های مصرف) و تحلیل نظرات فقها در شیوه‌های مصرف مسکر ممکن است اطلاق مطرح شده در ماده ۲۶۴ را مخدوش کند به طوری که سایر طرق مصرف مسکر مطرح شده را نتوان به عنوان موجب و سبب حد شرب خمر در نظر گرفت.

۱. شرب خمر به عنوان اولین موجب حد شرعی

کتب لغت، درباره معنای لغوی شرب معنای روشنی بیان نکرده اند و بیشتر لغویان معنای آن را واضح فرض کرده و بیان داشته‌اند که شرب مقداری از آب است که شخصی می‌نوشد.^۱ اما بهترین تعبیر از آن مفردات است که می‌گوید: «شرب، خوردن هر مایعی اعم از آب و غیر آن است»^۲ بر همین اساس، فقیهانی مانند صاحب‌المقنعه^۳ در باب «الحدّ فی السكر و شرب المسکر» می‌نویسد: «خمر حرام منصوص در قرآن، شراب انگوری است که مست‌کننده باشد» و به دفعات از کلمه «شارب‌الخمر» استفاده می‌کند. اما در ادامه با بیان این جمله که «برای هیچ‌کس خوردن غذایی که در آن مقدار کمی شراب وجود دارد، چه آن غذا به صورت پخته شده یا غیر آن باشد، حلال نیست و همچنین اگر از خمر به عنوان دارو یا خورش غذا استفاده کند هم خوردن آن حرمت دارد و هشتاد ضربه تازیانه به عنوان حد بر او تحمیل کرد. وی معتقد است تنها موجب و سبب برای این حد شرعی، شرب نیست؛ بلکه اگر شخصی از طریق مخلوط کردن شراب با طعامی، مسکر را تناول کند، حکم او ۸۰ ضربه تازیانه می‌باشد.^۴ پس از ایشان، شیخ طوسی در کتاب المبسوط پس از بیان دلایل تحریم خمر، می‌نویسد: «پس هنگامی که حرمت آن ثابت شد، اگر کسی به هر مقدار از آن را بنوشد به مجازات شلاق محکوم می‌شود.^۵ علاوه بر این، در دو کتاب حدیثی باقیمانده از ابن‌فقیه، تمام روایات دال بر استفاده از کلمه شرب‌خمر است.^۶ اما در کتاب‌النهایه همانند شیخ مفید معتقد است آشامیدن (شرب) و خوردن (اکل) شراب حرام است و موجب حد شرب خمر.^۷

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق، ص. ۲۶۷؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق، ص. ۲۵۶.
۲. راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، ارومیه، طرافت، ۱۳۸۵، ص. ۴۴۸.
۳. مفید بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنع، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص. ۷۹۸.
۴. همان، ص. ۷۹۹.
۵. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ ق، ص. ۵۸.
۶. ر.ک: طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ص. ۹۰.
۷. طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق، ص. ۷۱۲.

تقریباً یکصد سال پس از شیخ طوسی، ابن ادریس حلی که بساری از آراء شیخ طوسی را نقد کرد و تغییر داد، اما در این بحث هر چند ابتدا از شرب خمر شروع می‌کند، اما در ادامه قایل به همان فتوای مذکور شیخ است و موجب این حد را علاوه بر شرب به اکل هم توسعه می‌دهد. بنا بر آنچه در گفته آمد، گر چه همه فقهای مذکور تا قبل از قرن هفتم هجری عنوان باب را «حدّ شرب» نامگذاری کرده‌اند ولی موجب حدّ را از آشامیدن مسکر به خوردن همراه با غذا توسعه داده‌اند.

۲. کاربرد واژه «تناول» در حدّ مسکرات

تناول در لغت به معنای فرا گرفتن و برداشتن و مجازاً از واژه تناول کردن، به خوردن و آشامیدن اراده می‌شود.^۱ پس از قرن هفتم هجری، برخی فقیهان امامیه به جای واژه «شرب»، از «تناول مسکر» استفاده کرده و زمانی که بحث حد مسکر را شروع می‌کند، در موجب این حدّ شرعی می‌گوید: «الأول فی الموجب: و هو تناول المسکر أو الفقاع» شبیه به همین عبارت را در کتاب فقهی دیگر ایشان می‌توان دید.^۲ سپس علامه حلی در تبصره المتعلمین فی أحكام الدین، درباره موجب حدّ مسکر می‌نویسد: «من تناول مسکراً ... حدّ ثمانین جلد». ^۳

شهید اول، فقیه نامدار قرن هشتم، در کتاب اللمعة الدمشقیة ذیل بحث «حدّ الشرب» می‌گوید: «هر چیزی که مست‌کننده و مسکر باشد، نوشیدن حتی یک قطره از آن حرام است و با تناول آن، تحمل مجازات شرب خمر بر او واجب می‌شود». ^۴

شهید ثانی در شرح عبارت شهید اول، ذیل همان عبارت می‌فرماید: از شرب خمر عبور کرده و بدین ترتیب موجب حدّ را «تناول مسکر» می‌داند.^۵

ابن فهد حلی نیز مانند سایر فقیهان این عصر، موجب حدّ را تناول مسکر می‌داند و می‌نویسد: «تناول، عام است از شرب و شامل استعمال از قبیل خوردن به عنوان دارو یا مخلوط با غذا نیز می‌شود». ^۶ مقدس اردبیلی نیز ذیل عبارت علامه حلی پس از اینکه

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص. ۷۰۰۸.

۲. حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، چاپ ششم، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة، ۱۴۱۸ ق، ص. ۲۲۲.

۳. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق، ص. ۱۸۸.

۴. عاملی، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیه، بیروت، دار التراث الإسلامیه، ۱۴۱۰ ق، ص. ۲۶۰.

۵. عاملی، زین‌الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، حاشیة کلانتر، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ق، ص. ۲۰۳.

۶. اسدی حلی، احمد بن محمد بن فهد، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، جلد پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق، ص. ۸۰.

ارکان حدّ خمر را به دو قسمت «شارب» و «مشروب» تقسیم می‌کند، می‌گوید: «مراد از شارب متناولی است که شراب را از طریق حلق به بدن برساند و در تناول، بین خوردن شراب به صورت خالص و ممزوج با چیز دیگر، فرقی نیست.»^۱

آنچه فقهای قرن ۱۳ هجری مثل صاحب ریاض المسائل درباره موجب حدّ مسکر بیان می‌دارند، همان عبارت «تناول المسکر» است که از دوره محقق حلی و علامه حلی رایج شده است.^۲ صاحب جواهر نیز برای اثبات اینکه موجب حدّ مسکر، تناول است به دو دلیل عدم خلاف و اجماع محصل و منقول تمسک می‌کند و در نهایت موجب این حدّ را تناول مسکر یا فقع می‌داند.^۳

همین رویه تا زمان معاصر هم ادامه پیدا کرده است؛ به طوری که تعداد کثیری از فقهای معاصر در بیان موجب حد مسکر، تناول را ذکر می‌کنند.^۴

از آنچه تا کنون بیان شد این نتیجه حاصل است که فقهای شیعه در قبل و بعد قرن هفتم هجری و حتی معاصران از فقها، ملاک و سبب حد شرعی را خوردن و آشامیدن مسکر و ورود آن به بدن از طریق حلق می‌دانند (بحیث یتعدی الی حلقه) و برای همین نحوه مصرف موضوعیت قائل هستند. آنچه در ذیل می‌آید دلایل عدول از «شرب» به «تناول» است.

۳. دلیل استفاده از کلمه تناول به عنوان موجب حدّ

بررسی متون فقهی در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد فقیهان برای عدول از شرب مسکر به تناول مسکر، دلایل متعددی را بر شمرده‌اند که مهم ترین آنها به قرار ذیل است.

۳-۱. اعم بودن تناول از اکل و شرب

جمع کثیری از علما در بیان دلیل عدول از کلمه «شرب» به «تناول» می‌گویند: «تناول، اعم از شرب است و ما تناول را شرط کردیم تا شامل مواردی مانند خوردن مسکر همراه با غذا و ادویه نیز بشود». آیت‌الله گلپایگانی نیز دلیل عدول محقق حلی را همین مطلب بیان می‌کند.^۵

۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق، ص. ۱۸۵.

۲. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، منبع پیشین، ص. ۶۴.

۳. نجفی، محمد حسن، منبع پیشین، ص. ۴۴۹.

۴. برای نمونه، رک: تبریزی، جواد بن علی، أسس الحدود و التعزیرات، قم، دفتر معظم له، ۱۴۱۷ ق، ص. ۲۷۶؛ موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، دارالعلم، بی‌تا، ص. ۴۷۸.

۵. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق، ص. ۳۰۴.

۲-۳. دخول مسکر از طریق حلق

برخی شارحان کلام محقق حلی مانند شهید ثانی در مسالک الافهام، در بیان دلیل سخن وی می گویند: «أراد بالتناول إدخاله إلى البطن بالأكل أو الشرب» و ملاک سخن وی را دخول مسکر به معده به وسیله خوردن و آشامیدن (از طریق حلق) می داند.^۱ صاحب جواهر نیز همین مبنا را می پذیرد، شیوه های دیگر مصرف مسکر را نقد می کند و فتاوی فقیهان پیش از خود را بررسی می کند و در مجموع همین دلیل را در توجیه سخن محقق می پذیرد.^۲ در عصر حاضر نیز برخی فقها داخل شدن مسکر از طریق حلق به معده را به عنوان ملاک تناول مسکر دانسته اند.^۳

۳-۳. مدخلیت نداشتن شرب

مرحوم میرزا جواد تبریزی در بیان دلیل کلام علامه حلی در جایگزینی واژه تناول می گوید حرمت و حدّ شرعی خمر، فقط اختصاص به شرب ندارد و خوردن به شیوه های دیگر را نیز شامل می شود.^۴ وی ادامه می دهد که هر چند در روایات این باب از عنوان «شرب» استفاده شده است ولی عرف خصوصیتی برای شرب نمی شناسد، بلکه شرب فرد متعارف تناول مسکر است و به همین دلیل، عرف بین خوردن مسکر به صورت خالص یا مخلوط با چیز دیگری، حتی در زمانی که مسکر کاملاً ممزوج شده است و تفکیک پذیر نیست، فرقی نمی گذارد. شبیه به همین مبنا در کلام آیت الله خویی نیز دیده می شود. وی می نویسد: «وجه و دلیل استفاده از «تناول» آن است که به حسب فهم عرفی خصوصیتی در عنوان شرب و آشامیدن مسکر وجود ندارد بلکه آنچه که موضوعیت دارد، ورا د کردن مسکر به معده است ولو از طریق غیر آشامیدن باشد. بنابراین اگر شخصی مسکر را در کپسولی قرار دهد و ببلعد با اینکه عنوان شرب بر آن صادق نیست، اما این شخص را باید به حد شرعی محکوم کرد.»^۵

۴-۳. نبودن واژه شرب در برخی روایات باب

برخی فقیهان علت عدول از شرب به تناول را اطلاق برخی روایات باب حدّ مسکر

۱. عاملی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ ق، ص. ۴۵۸.
۲. نجفی، محمد حسن، منبع پیشین، ص. ۴۵۰.
۳. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله: الحدود، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۴۲۴ ق، ص. ۴۳۳.
۴. تبریزی، جواد بن علی، منبع پیشین، ص. ۲۷۴.
۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲ ق، ص. ۳۲۷.

می‌دانند و عدول از شرب را به روایت معتبره ابی‌بصیر مستند می‌کنند.^۱ در روایات مذکور آمده است: «کان علی (ع) یضرب فی الخمر و النبیذ ثمانین». براساس این روایت استدلال می‌کنند که حضرت علی (ع)، بدون توجه به موجب مسکر، مرتکب را به مجازات ۸۰ تازیانه محکوم می‌کردند و اطلاق این روایت، فرقی بین اینکه موجب شرب یا تناول باشد، نگذاشته است.

۳-۵. ادعای اجماع بر استفاده از کلمه تناول

قبلاً بیان شد که صاحب‌جواهر، بر کاربرد این واژه در میان فقیهان ادعای عدم خلاف و بلکه اجماع محصل و منقول می‌کند.^۲ علاوه بر ایشان، صاحب کشف اللثام می‌نویسد: «تناول حتی یک قطره از مسکر چه به صورت خالص و چه به صورت ممزوج حرام و موجب حدّ است، هرچند لفظ شرب موجود در نصوص و ادله به این مطلب دلالت ندارد. اما گویا بر این مطلب تسالم و اجماع وجود دارد.»^۳

۴. بررسی شیوه‌های مختلف مصرف مسکر در کلمات فقها

بر اساس آنچه بیان شد شیوه‌های مصرف مسکر می‌تواند مختلف باشد. از این رهگذر، در ادامه شیوه‌های مصرف بیان می‌شود و حکم شرعی هر یک بررسی می‌گردد.

۴-۱. آشامیدن و خوردن مسکر

آشامیدن مسکرات، قدر متقین، مصداق روشن^۴ روش غالبی^۵ و متفاهم عرفی است و متبادر از شرب در باب «حدّ الشرب» همین روش است که قطعاً حرام و مستوجب حدّ شرعی می‌باشد. حرمت استعمال مسکر به عنوان خورش و إدام غذا (اصطباغ)^۶ یا دارو مانند شرب مسکر مورد اتفاق و بنا بر برخی نظرات مورد اجماع است^۷ و حرمت و حدّ شرعی دارد.^۸

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل‌البیت ۱۴۰۹ ق، باب ۴ من أبواب حدّ المسکر، حدیث ۲.

۲. نجفی، محمد حسن، منبع پیشین، ص. ۴۴۹.

۳. اصفهانی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق، ص. ۵۵۲.

۴. فاضل لنکرانی، محمدجواد، آیین کیفری اسلام، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۴۲۲ ق، ص. ۴۰۱.

۵. بهجت فومنی، محمدتقی، جامع المسائل، چاپ دوم، دفتر معظم‌له، ۱۴۲۶ ق، ص. ۳۰۶.

۶. «الصبغ بکسر الصاد ما یصبغ به من الإدام: أي یغمز فیہ الخبز و یؤکل، و یختص بکل إدام مائع کالخلّ و نحوه، و الجمع أصباغ.» طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد پنجم، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی،

۱۴۱۶ ق، ص. ۱۳.

۷. نجفی، محمد حسن، منبع پیشین، ص. ۴۰۵.

۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منبع پیشین، ص. ۳۲۷.

۲-۴. مصرف مسکر با روش تعسط (از راه بینی)

تعسط، یعنی مسکر را در بینی بریزند یا استنشاق کنند. این مسأله در باب صوم و مفطر اکل و شرب نیز آمده است و برخی معتقدند که «اگر از راه بینی چیزی را عمداً فرو برد، ظاهراً مبطل است؛ زیرا اکل و شرب بر آن صدق می‌کند.»^۱ اما فقها در اینکه مصرف مسکر از راه بینی دارای حدّ مسکر باشد، اختلاف نظر دارند.

علامه حلی در قواعد الاحکام می‌گوید که اگر از راه بینی مسکر را وارد بدن کند، کيفر او حدّ شرعی است.^۲ فاضل اصفهانی در شرح کلام علامه می‌نویسد: «اگر مصرف مسکر از طریق بینی باشد، حد می‌خورد؛ چون مسکر از طریق حلق به معده او می‌رسد و همچنین به خاطر نهی شارع از سرمه کشیده با مسکر، حدّ شرعی تقویت می‌شود؛ زیرا ریختن مسکر در بینی و ورود آن به معده، آسان‌تر و سهل‌الوصول‌تر از سرمه کشیدن است.»^۳

به عبارت روشن‌تر، در جایی که شارع از سرمه کشیدن با مسکر در حالی که وصول به معده ندارد، نهی کرده است و حکم به حرمت آن می‌دهد، قطعاً در استعمال از طریق بینی به دلیل وصول مسکر از طریق حلق به معده، مرتکب را به حدّ شرعی مجازات می‌کند.

شهید ثانی معتقد است که مصرف مسکر از طریق بینی در جایی که وارد حلق نشود، نمی‌تواند موجب حدّ باشد؛ چون این نحوه مصرف، تناول شمرده نمی‌شود و حدّ شرعی نیز ندارد.^۴ البته ایشان احتمال وجود حدّ را هم انکار نمی‌کند و می‌گوید ممکن است حدّ داشته باشد؛ چون در باب صوم، اگر به این طریق چیزی وارد معده گردد، مفطر روزه است.

صاحب ریاض نیز در این مسأله با شهید ثانی هم‌نظر است و معتقد است در جایی که مسکر را از طریق بینی مصرف کنند، به دلیل عدم ورود به حلق، عدم مخالفت با آراء فقیهان، اصل برائت و اطلاق نشدن شرب وارد شده در روایات بر این عمل، حدّ شرعی ساقط می‌شود.^۵

صاحب جواهر پس از بیان اختلاف نظر فقیهان، چنین جمع‌بندی می‌کند: «چنانچه در این روش، مسکر به حلق داخل نشود یا یقین به وصول آن پیدا نکردیم، مرتکب حدّ

۱. قمی، عباس، الغایه القصوی فی ترجمه العروه الوثقی، قم، صبح پیروزی، ۱۴۲۳ ق، ص. ۱۵۳.

۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، منبع پیشین، ص. ۵۵۳.

۳. اصفهانی، محمد بن حسن، منبع پیشین، ص. ۵۶۷.

۴. عاملی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، منبع پیشین، ص. ۴۵۸.

۵. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، منبع پیشین، ص. ۶۷.

نمی خورد و تعزیر می شود»^۱ برخی از فقهای معاصر نیز همین ملاک را پذیرفته اند.^۲ اما تعدادی دیگر از فقهای معاصر مانند مرحوم گلپایگانی در بیان موجب حدّ شرعی مسکر به روش استعمال از بینی با در نظر گرفتن پیشرفت های علم پزشکی و شناخت بدن قائل به تفصیل شده و استنشاق و مصرف از این طریق را موجب حدّ شرعی نمی دانند، مگر اینکه به وسیله عبور لوله از بینی صورت بپذیرد: «زمانی که بینی به عنوان راهی برای ورود مسکر به معده باشد، همانند آنچه امروزه نسبت به برخی از بیماران توسط پزشکان انجام می شود، به طوری که لوله مخصوصی در بینی مریض قرار می دهند و از طریق آن غذا را به معده وارد می کنند، عمل مرتکب حرام است و سزاوار حدّ شرعی می باشد. اما اگر مسکر را به شدت به بینی وارد نماید یا استنشاق کند، هر چند عمل او حرام است ولی مرتکب مستوجب حدّ شرعی نمی باشد. بر همین اساس، این اشکال به صاحب مسالک وارد است که با اینکه ایشان معنای تناول را وصول مسکر به معده می دانند، چطور در بحث مصرف مسکر از طریق بینی احتمال حدّ شرعی را مطرح می کند در حالی که ایشان مصرف غیرمسکر از همان طریق را برای صائم، مبطل روزه نمی داند.»^۳

همچنین فقیه دیگری معتقد است: «چنانچه یقین به وصول مسکر به معده هم داشته باشیم از آنجا که عرف به این طریقه مصرف را اکل و شرب نمی دانند، مرتکب را نمی توان به حدّ شرعی محکوم کرد ولی عمل او مستوجب تعزیر می باشد.»^۴ در نتیجه با توجه به معنای تناول که بر اساس بیان صاحب مسالک، «رساندن مسکر به معده از طریق اکل و شرب است» و عدم امکان اتخاذ معنای دیگری از تناول در باب مسکرات و اقوال مطرح شده فقیهان، به نظر می رسد مصرف مسکر از طریق بینی نمی تواند موجب حدّ شرعی باشد ولی مرتکب را می توان تعزیر کرد.

۳-۴. استعمال مسکر با تدخین

تدخین از ماده دخن به معنای «دود برآمده از آتش» است.^۵ «دخانیات آنچه از توتون و تنباکو به صورت سیگار و غیر آن استعمال می شود» است.^۶ برخی فقها در بیان

۱. نجفی، محمدحسن، منبع پیشین، ص. ۴۵۰.

۲. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله: الحدود، منبع پیشین، ص. ۴۳۳.

۳. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، منبع پیشین، ص. ۳۰۴.

۴. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، منبع پیشین، ص. ۵۷۶.

۵. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا، ص. ۳۳۶.

۶. جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، زیر نظر سیدمحمد هاشمی شاهرودی، قم،

مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۶ ق، ص. ۵۸۶.

مفطرات صوم در مفطر اکل و شرب^۱ و برخی ذیل بحث مفطر فرو بردن غبار غلیظ به حلق متذکر مسأله دود غلیظ و تدخین شده‌اند.^۲ اما درباره حکم شرعی مصرف مسکر به این روش، برخی فقها اساساً به این طریقه مصرف اشاره‌ای نکرده‌اند. در مقابل، برخی مثل صاحب جواهر، این شیوه مصرف را از مصادیق تناول دانسته و حکم حرمت و برخورداری مرتکب از حدّ شرعی را استنباط کرده‌اند.^۳ البته برخی این روش را شیوه متداول مصرف مسکر می‌دانند.^۴ در نقد دیدگاه مرحوم صاحب جواهر گفته‌اند: «چگونه می‌توان استنشاق دود حاصل از خمر را ممنوع کرد، حال آنکه منع شرعی بر شرب خمر است؟»^۵

در زمان معاصر نیز این مسأله مورد سؤال واقع شده و پرسیده‌اند: آیا استعمال تنباکویی که برخی از انواع خمر را روی آن پاشیده‌اند، جایز است؛ و آیا استنشاق دود آن جایز است؟ در پاسخ گفته شده است: «اگر مصرف آن تنباکو از نظر عرف، استعمال خمر محسوب نشود و باعث مستی و وارد شدن ضرر قابل ملاحظه‌ای نگردد اشکال ندارد، هر چند احوط ترک آن است.»

با توجه به دیدگاه‌های مطرح‌شده و نیز اختلاف نظر فقیهان در مفطر بودن تدخین در باب صوم و با عنایت به معنای تناول (شرب و اکل)، چنانچه تدخین مسکر از مصادیق تناول باشد، می‌تواند حدّ شرعی داشته باشد و الاّ تدخین مسکر حرام است و مرتکب باید تعزیر گردد.

۴-۴. استعمال به روش تداوی

تداوی در لغت به معنای معالجه و مداوا کردن به وسیله چیزی است.^۶ درباره تداوی به خمر، یکی از فقیهان می‌نویسد: «فقه‌های امامیه با استناد به پاره‌ای روایات منقول از ائمه، تداوی به حرام، به ویژه مسکرات را جز در صورت ضرورت و تعیین شیء محرّم، جایز ندانسته‌اند.»^۷ حال بحث در این است که اگر شخصی به وسیله مسکر تداوی کند، مثلاً از آن به عنوان دارو استفاده کند یا آن را به بدن بمالد، آیا باید مجازات حدّ شرعی را تحمل نماید یا خیر. مرحوم علامه حلی در قواعد الاحکام و شهید

۱. نجفی کاشف الغطاء، احمد بن علی، سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح السعادات، نجف، مؤسسه

کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ ق، ص. ۱۳۰.

۲. قمی، عباس، منبع پیشین، ص. ۱۵۵.

۳. نجفی، محمد حسن، منبع پیشین، ص. ۴۰۵.

۴. بهجت فومنی، محمد تقی، جامع المسائل، چاپ دوم، قم، دفتر معظم له، ۱۴۲۶ ق، ص. ۳۰۶.

۵. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، منبع پیشین، ص. ۳۰۵.

۶. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکولم، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۰ ق،

ص. ۲۲۰۵.

۷. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ق، ص. ۱۴۳.

ثانی در مسالک الافهام معتقدند: «تداوی به وسیله خمر و مسکرات به نحو تناول (أكل و شرب)، موجب حدّ شرعی است حتی اگر درمان منحصر در آن باشد»^۱ ولی اگر به نحو مالیدن بر بدن باشد، چون مصداق تناول نیست، حدّ شرعی ندارد؛ زیرا «اگر گفته شود «لا تشرب الخمر لأنّه مسکر» مفاد تعلیل این می شود که «لا تشرب المسکر» یعنی از خصوص خمر تعدی می کنیم به مطلق مسکر، اما متعلق حکم یعنی شرب محفوظ است، لذا حکم مالیدن خمر به بدن استفاده نمی شود»^۲.

۴-۵. استعمال مسکر با تزریق

تزریق، وارد کردن مایعی مانند دارو به بدن با سوزن مخصوص است.^۳ تزریق از عناوین مستحدثه و جدید است که در باب صوم در بحث تزریق آمپول بی حس کننده و تقویتی به روزه دار و در باب حدّ مسکر در جایی که به این طریق مسکر را وارد بدن خود کند، آمده است. برخی معتقدند: «اگر کسی شراب را از غیر راه خوردن مانند تزریق وارد بدن کند، چنانچه موجب مستی نشود، ثبوت حدّ بر او مشکل است.»^۴ به نظر می رسد این نظر با نصوص وارد شده در بحث مسکر، تعارض دارد؛ زیرا موجب حدّ شرعی، اسکار و مستی حاصله نیست، بلکه مجرد شرب و تناول مسکر است و بر همین اساس، در روایات و فتاوا^۵ آمده است که «فلو تناول قطره من المسکر، أو مزج القطره بالغذاء أو الدواء و تناولهُ حدّ عندنا». برخی دیگر فهم عرفی از تناول را توسعه داده اند و وارد کردن مسکر از طریق تزریق را از موجبات حدّ مسکر دانسته اند.^۶

البته این اشکال وارد است که ایشان در بیان معنای تناول می گویند که تناول یعنی دخول مسکر از طریق حلق و وصول به معده. بدیهی است توسعه معنای مسکر بر اساس فهم عرفی با معنای لغوی اتخاذ شده توسط آنان، به خصوص اینکه تزریق را از موجبات حدّ شرعی بدانیم، ناسازگار خواهد بود.

۴-۶. استعمال مسکر به سایر روش ها

متون فقهی به روش های دیگری از مصرف مسکر اشاره کرده اند که پس از تبیین، حکم آنها بررسی می شود:

۱. اصفهانی، محمد بن حسن، منبع پیشین، ص. ۵۵۶.
۲. شبیری زنجانی، سید موسی، منبع پیشین، ص. ۳۵۷۶.
۳. جمعی از پژوهشگران، منبع پیشین، ص. ۴۵۷.
۴. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق، ص. ۱۲۶.
۵. عاملی، محمد بن مکی، اللمعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه، منبع پیشین، ص. ۲۶۰.
۶. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله: الحدود، منبع پیشین، ص. ۴۳۳.

(الف) احتقان: وارد کردن دارو از طریق مقعد به بدن.^۱
 (ب) تضمید: گذاشتن دارو بر سر هنگام سردرد یا بر روی زخم.^۲
 (پ) اکتحال: قرار دادن کحل (داروی تقویت چشم) در چشم.^۳
 حکم فقهی این روش‌ها را فقیهان^۴ بررسی نموده‌اند و پس از بیان موجب شرب و تناول، با کلمات مشابه و دلیل مشترک گفته‌اند: «با عنایت به معنای تناول (أكل و شرب)، مصرف مسکر به روش‌های فوق‌الذکر از موجبات حدّ شرعی مسکر نیست و تناول شامل آن نمی‌شود».

۵. تأثیرپذیری فتاوی فقها از طریقه مصرف مسکر

بنا بر آنچه در قبل بیان شد، اگر بنا باشد که از واژه «شرب» عبور کنیم و هر طریقه مصرف مسکر را موجب حد شرعی بدانیم باید به یکی از اقوال ذیل ملتزم شویم:

- ذات و عین مسکر حرام است. به همین دلیل، حرمت در همه انواع و جهات مختلف آن انتشار می‌یابد و تفاوتی در میزان مصرف، نوع و واقعیت بیرونی مسکر و طریقه مصرف آن ندارد. بنابراین به هر شکلی اعم از نوشیدن، خوردن و سایر طرق تناول شود حرمت مصرف آن باقی است. شارع خواسته است مسکر را به طور کلی از جامعه حذف کند.^۵
- بر اساس آیه قرآن کریم، خمر نجس و استفاده از آن عملی شیطانی و کلمه «فاجتنبوه» (مائده / ۹۰) دلالت بر وجوب اجتناب به نحو مطلق دارد و شامل اجتناب از هر گونه مسکر و هر روش مصرف آن می‌شود. این قول هم دچار اشکال است؛ چرا که اجتناب از هر چیزی به حسب خود آن شیء و بر اساس آثار متوقع از آن است. اثر و روش متوقع از خمر با نوشیدن آن ظاهر می‌شود و ممنوعیت و اجتناب مذکور در آیه قرآن فقط همین روش غالبی را شامل می‌شود و شامل روش‌های دیگر مصرف مسکر نخواهد شد.^۶
- برخی دیگر آیه ۹۱ سوره مائده را دلیل بر حرمت مصرف مسکر به نحو مطلق دانسته و در تقریب استدلال بیان می‌دارند: ایجاد دشمنی، کینه و دوری از

۱. محمود، عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، قاهره، مکتبه الاسکندریه، بی‌تا، ص. ۷۶.
 ۲. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق، ص. ۷۵.
 ۳. طریحی، فخرالدین، منبع پیشین، ص. ۴۶۱.
 ۴. اصفهانی، محمد بن حسن، منبع پیشین، ص. ۵۵۶؛ بهجت فومنی، محمدتقی، منبع پیشین، ص. ۳۰۶.
 ۵. سجانی، جعفر، الحدود و التعزیرات فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم، چاپ اول، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص. ۳۵۲.
 ۶. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، منبع پیشین، ص. ۳۰۶.

ذکر خدا و نماز به وسیله شرب خمر نیست؛ بلکه بر نفس و ذات خمر تعلق گرفته است. ملاک شارع دوری از خمر بوده، نه اینکه در ایجاد موارد مذکور شرب خمر موضوعیت داشته باشد؛ بلکه از هر طریق مصرف شود، ممنوعیت دارد.^۱ این سخن صحیح نیست چون امور و آثار مذکور در آیه بر روشی از مصرف مسکر دلالت دارد که عرف می‌فهمد و آن شرب مسکر و خمر است و همین ظهور عرفی باعث می‌شود که نتوان بر اساس این آیه شیوه‌های دیگر مصرف مسکر را ممنوع و مرتکب را به حد شرعی مسکر محکوم کرد.

- برخی از روایات مثل معتبره ابی بصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام^۲ بیان می‌دارد: «کان علی (ع) یضرب فی الخمر والنبیذ ثمانین». دلالت این گونه روایات بر این است که حضرت علی (ع) هر کسی که مسکری را مصرف می‌کرد، حد می‌زد و ملاک ایشان در اجرای حد شرعی فقط شرب نبود؛ بلکه خمر و مصرف آن بود به هر طریقی که باشد.^۳ این قول هم دچار مشکل است و آن اینکه در ذیل روایت مطرح شده، نکته ای آمده که از آن غفلت شده است. روایت در ادامه می‌فرماید: «الحر والعبد والیهودی والنصرانی، قلت: و ما شأن الیهودی والنصرانی؟ قال: لیس لهم أن یظہروا شربہ، یکون ذلک فی بیوتهم.» یهودی و نصرانی نباید شرب خمر را در سطح جامعه اظهار کنند و در ملاً عام شرب خمر نمایند. پس بر اساس واژه «لیس لهم أن یظہروا شربہ» در این روایت ممنوعیت روی «شرب خمر» رفته و به نحو مطلق هر طریقه مصرفی را موجب حد شرعی ندانسته است.

۱. همان.

۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، منبع پیشین، ص. ۴۶۸.

۳. خوبی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، چاپ اول، بغداد، ۱۴۲۲ ق، ص. ۲۸۵.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی مواد قانونی مربوط به شرب خمر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و بیان همین حدّ شرعی بیانگر تغییر رویه قانون‌گذار در بیان موجب حدّ مسکر است. به این معنا که با عبور از موجب شرعی شرب خمر بر اساس اقوال فقیهان، به واژه «مصرف مسکر» روی آورده و با توسعه معنایی تناول مسکر، استعمال و مصرف آن را به هر شکلی اعمّ از تزریق، تدخین و نظایر اینها جرم‌انگاری نموده و از موجبات حدّ شرعی شرب خمر انگاشته است.

از مجموع بیان و تحلیل مختصر اقوال این نتیجه به دست می‌آید که اگر روش مصرف مسکر، «شرب خمر یا مسکر» باشد، هیچ اختلافی بین فقها در موجب تحمیل حد شرعی بر مرتکب وجود ندارد؛ چرا که وجه غالبی و ظهور عرفی در مصرف مسکر همین شرب و نوشیدن است. همچنین اگر مرتکب، مسکر را به وسیله خوردن و آشامیدن «تناول» نماید یا از طریق حلق به معده (ولو به وسیله عبور لوله از بینی) وارد نماید، باز هم موجب و سبب حد شرعی ایجاد شده و آثار «شرب» بر مرتکب بار می‌شود. اما اگر از روش‌های دیگر مطرح شده مسکر را به بدن وارد کند، گرچه عمل او حرام است ولی با توجه به دلیل وجود سیاق کلام فقیهان در مبحث موجب شرعی حدّ بر شرب و تناول مسکر و اختلاف اقوال در روش‌های دیگر مصرف مسکر (به‌رغم مبغوضیت ذاتی مسکر و خمر)، نمی‌توان تناول را به معنایی اعمّ از اکل و شرب از غیر حلق توسعه داد و هر گونه استعمال و مصرف آن را از موجبات حدّ شرعی مصرف مسکر دانست. در نتیجه مرتکب تزریق، تضمید، احتقان و حتی تدخین و تداوی مسکر سزاوار حدّ شرعی نمی‌باشد و حاکم باید به جهت پاکسازی جامعه از این منکر ذاتی، وی را تعزیر نماید و مرتکب را تا ۷۹ ضربه شلاق تعزیر نماید و مجازات‌های تکمیلی و ... را اعمال کند و توسعه و جرم‌انگاری سایر روش‌های مصرف مسکر در ماده ۲۶۴ مصوب ۱۳۹۲ بر خلاف مشهور فقها تلقی شده و با شدت احتیاط شارع در حدود سازگار نیست.

منابع

- ابن فارس، ابوالحسين احمد بن زكريا، معجم مقائيس اللغة، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ۱۴۰۴ ق.
- ابن ادريس حلي، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۰ ق.
- اسدي حلي، احمد بن محمد بن فهد، المهذب البارع في شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۷ ق.
- اصفهاني، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۶ ق.
- امامي، مسعود، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۹۲، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت، ۱۳۹۳.
- بهجت فومني، محمدتقي، جامع المسائل، چاپ دوم، قم، دفتر معظم له، ۱۴۲۶ ق.
- تبريزي، جواد بن علي، أسس الحدود و التعزيرات، قم، دفتر معظم له، ۱۴۱۷ ق.
- جمعي از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت (ع)، زير نظر سيد محمود هاشمي شاهرودي، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت (ع)، ۱۴۲۶ ق.
- _____، موسوعه الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت (ع)، ۱۴۲۳ ق.
- جوهری، اسماعيل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربيه، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۴۱۰ ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- حسيني روحاني، سيد محمدصادق، فقه الصادق (ع)، قم، دار الكتاب مدرسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۲ ق.
- حسيني زبيدي، سيد محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ ق.
- حلي، حسن بن يوسف بن مطهر، قواعد الاحكام في معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۳ ق.
- _____، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۰ ق.

- _____ ، تبصره المتعلمين في أحكام الدين، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۴۱۱ ق.
- _____ ، تحرير الأحكام الشرعيه على مذهب الإماميه، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ ق.
- حلي، نجم الدين جعفر بن حسن، المختصر النافع في فقه الإماميه، چاپ ششم، قم، مؤسسه المطبوعات الدينيه، ۱۴۱۸ ق.
- _____ ، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، اسماعيليان، ۱۴۰۸ ق.
- حميري، نشوان بن سعيد، شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، بيروت، دار الفكر المعاصر، ۱۴۲۰ ق.
- حيدريان، محمدرضا، «رويكرد قانون مجازات اسلامي به استفاده از مسكر»، ماهنامه دادرسي، شماره ۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۲.
- خامنه‌اي، سيدعلي، أجوبه الاستفتائات، قم، دفتر معظم له، ۱۴۲۴ ق.
- خوانساري، سيد احمد، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم، اسماعيليان، ۱۴۰۵ ق.
- خويي، سيد ابوالقاسم، مباني تكملة المنهاج، چاپ اول، بغداد، ۱۴۲۲ ق.
- دهخدا، علي اكبر، لغتنامه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- راغب اصفهاني، ابى القاسم الحسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، چاپ اول، اروميه، ظرافت، ۱۳۸۵.
- سبحاني، جعفر، الحدود و التعزيرات في الشريعه الاسلاميه الغراء، قم، چاپ اول، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- شبيري زنجاني، سيد موسي، كتاب النكاح، چاپ اول، قم، مؤسسه پژوهشي رأی پرداز، بی تا.
- طباطبائي حائري، سيد علي بن محمد، رياض المسائل، قم، آل البيت، ۱۴۱۸ ق.
- طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران، كتابفروشي مرتضوي، ۱۴۱۶ ق.
- طوسي، محمد بن حسن، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران، دار الكتب الإسلاميه، ۱۳۹۰ ق.
- _____ ، المبسوط في فقه الإماميه، چاپ سوم، تهران، المكتبه المرتضويه، ۱۳۸۷ ق.

- _____ ، النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى، چاپ دوم، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۴۰۰ ق.
- _____ ، تهذيب الأحكام، چاپ چهارم، تهران، دار الكتب الإسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
- عاملی، محمد بن مکی، اللمعه دمشقيه فى فقه الإماميه، بيروت، دار التراث الإسلاميه، ۱۴۱۰ ق.
- عاملی، زين الدين بن علی، الروضه البهيه فى شرح اللمعه دمشقيه، حاشیة کلانتر، قم، کتابفروشى داورى، ۱۴۱۰ ق.
- _____ ، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، ۱۴۱۳ ق.
- فاضل لنکرانی، محمد، تفصيل الشريعه فى شرح تحرير الوسيله: الحدود، قم، مركز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۴۲۴ ق.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد، آيين كيفرى اسلام، قم، مركز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۴۳۲ ق.
- فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
- فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، بى جا، بى نا، بى تا.
- قمى، عباس، الغايه القصوى فى ترجمه العروه الوثقى، قم، صبح پيروزى، ۱۴۲۳ ق.
- گلدوزيان، ايرج، محشای قانون مجازات اسلامى، تهران، مجد، ۱۳۸۴.
- محقق داماد، سيد مصطفى، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران، مركز نشر علوم اسلامى، ۱۴۰۶ ق.
- محمود، عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقيهيه، قاهره، مكتبه الاسكندريه، بى تا.
- مفيد بغدادى، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى، المقنعه، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق.
- مقدس اردبيلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۳ ق.
- موسوى اردبيلی، سيد عبدالکريم، فقه الحدود و التعزيرات، چاپ اول، قم، جامعه المفيد، ۱۳۸۷.
- موسوى خمينى، سيد روح الله، تحرير الوسيله، قم، دارالعلم، بى تا.

-
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه إحياء آثار الامام الخويي، ۱۴۲۲ ق.
 - موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.
 - نجفی کاشف الغطاء، احمد بن علی، سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح السعادات، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ ق.
 - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.